

بر کسی پوشیده نیست که در ایران تحولات عظیمی در جریان است ابعاد این تغییرات را میشود در تمامی عرصه های اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، ملی و مذهبی مشاهده کرد بخشی از این دگرگونیها ناشی از بر هم خوردن توازن قوا در داخل کشور و بخش دیگر آن ناشی از تحولاتی است که بر اثر ادامه جنگ در کشورهای همسایه ایران و در مجموع در خاورمیانه و در سطح جهان اتفاق افتاده است.

باید دید کدام نیروهای سیاسی اوپوزیسیون در روند اوضاع ایران و منطقه تاثیر گزارند و چه نقشی در آینده ایران بازی خواهند کرد و کدام نیرو موفق خواهد شد افسار قدرت را بدست گیرد و اصولا برای پیشبرد اهداف خود دارای چه مولفه هایی باید باشد.

بررسی نیروهای سیاسی در ایران نشان میدهد که نیروهای ملی، نیروهای چپ، نیروهای ملی مذهبی، نیروهای مذهبی و ملیت های مختلف برای کسب قدرت و یا تقسیم قدرت بصورت تک محوری همانند نیروهای مذهبی حاکم و بصورت جبهه در جدالند.

نیروهای ملی: منظور از نیروهای ملی همان ملیون استقلال طلب ایران است که از بدو انقلاب مشروطه در واقع از آغاز فروپاشی سیستم فنودالی همواره نقش تعیین کننده ای در روند سیاسی ایران ایفا کرده که نقطه اوج آنرا تحت رهبری دکتر مصدق و یارانش و انقلاب سال ۱۳۵۷ با شرکت همه نیروها شاهد بودیم این نیرو ضمن دفاع از استقلال ملی کشور خمیر مایه مبارزه مردم را تارسیدن به هدف نهایی که همان استقلال کامل است پی ریزی کردند همین نیرو بود که صنعت نفت را ملی کرده و حدود اختیارات سلطنت را محدود و با پافشاری بر روی قانون اساسی آزادی نسبی را در ایران رواج داده و از جنبش عدالت خواهی دفاع کرد.

همین نیرو بود که توانست بعد از جنگ جهانی دوم ارزیابی نسبتا درستی از اوضاع ایران و خاورمیانه ارائه داده و با تحلیل از توازن نیروها در سطح جهان و انطباق آن با منافع ملی و ارائه شعار بسیار مترقی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تاثیر انکار ناپذیری در تاریخ مدرن ایران برجای بگذارد اگر چه این نیرو از تشکیلات منسجمی برخوردار نیست ولی از نظر سیاسی در بین طبقات و اقشار مختلف جامعه از نفوذ غیر قابل انکاری برخوردار است.

ملیون در داخل و در خارج کشور از پشتیبانی وسیعی برخوردارند با توجه به گذشته تاریخی و احترامی که بین نیروهای سیاسی دارند در صورت انسجام تشکیلاتی میتوانند در سرنوشت کشور نقش تعیین کننده ای ایفا کنند.

نیروهای ملی در بین تکنوکراتها، بوروکراتها، معلمین، اقشار میانه جامعه، کارگران، کشاورزان، ارتشیان و ایرانیان خارج کشور و حتی در بین نیروهای مسلح ایران که جدایی مذهب از حکومت را مد نظر دارند از احترام ویژه ای برخوردارند تاریخ مبارزات نیروهای ملی نشان میدهد آنها نیروهای مخالف را برسمیت شناخته و همانطور که دولت ملی دکتر مصدق نشان داد در شرایط سخت مخالفان را تحمل کرده و آنها را سرکوب نظامی نمیکنند.

نیروهای چپ: نیروهای چپ از بدو جنبش مشروطه در واقع آغاز تاریخ معاصر ایران تا انقلاب سال ۱۳۵۷ در تمامی عرصه ها حضور فعال داشته و در سازماندهی جنبش تا سطح مبارزه مسلحانه نقش بارزی ایفا کردند یکی از شخصیت بر جسته چپ در دوران انقلاب مشروطه حیدر عمواقلو است که در سازماندهی نیروهای چپ و ملی مخصوصا در شمال کشور نقش تعیین کننده ای بازی کرد.

حیدر عمواقلو با استفاده از تجارب نیروهای چپ روسیه سطح جنبش را آنقدر اعتلا داد که موفق شد اولین جمهوری انتلافی بین نیروهای ملی تحت رهبری میرزا کوچک خان و چپ را در شمال ایران ایجاد کند اگرچه عمر این انتلاف بعلت چپ روی و عدم تجربه کافی نیروهای چپ شرکت کننده در این جبهه چندان دوام نیاورد ولی آنچنان تاثیری در تاریخ ایران بجای گذاشت که دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی نتوانستند جنبش چپ را از صحنه مبارزاتی کشور محو کنند.

همین تجربه بود که پس از جنگ جهانی دوم نیروهای چپ توانستند در ایران بسرعت پا بگیرند و بزرگترین نیروی سیاسی منسجم کشور یعنی حزب توده را بوجود آورند این حزب موفق شد تا سالهای ۱۳۳۲ بخش بزرگی از روشنفکران از جمله معلمان و استادان دانشگاه ها و دانش آموزان را بسیج کرده و در بین کارگران و دهقانان از نفوذ غیر قابل انکاری برخوردار شود.

حزب توده تا اواخر سال ۱۳۳۱ از شعارهای جبهه ملی پشتیبانی کرده و در سطح کشور از بر نامه های جبهه ملی دفاع میکرد جبهه ملی اگرچه از نفوذ بسیاری در بین مردم برخوردار بود ولی تشکیلات سراسری و

منسجمی نداشت نباید انکار کرد که حزب توده علیرغم انتقادهایی که به آن وارد است در پیشبرد سیاستهای مترقی جبهه ملی تا آن دوره نقش مثبتی بازی میکرد .

این حزب از سالهای ۱۳۳۱ بعد بعثت اختلافات جناحی در حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد جانشینی رهبری حزب جهت یابی خود را از دست داد و نتوانست نقش تعیین کننده ای در جلوگیری از کودتای نظامی ۱۳۳۲ ایفا کند دقیقا در همین ایام بود که آمریکا و انگلستان با آگاهی از اوضاع داخلی اتحاد شوروی در ایران دست به کودتا زدند.

با وجود سرکوب نیروهای چپ در ایران توسط رژیم کودتا چپ ها از پای نایستادند و در سالهای بعد و تا انقلاب سال ۱۳۵۷ با قدرت بمراتب بیشتر و با سازمانهای منسجم تر وارد صحنه شدند نتیجه این مبارزات سرنگونی نظام سلطنتی و جدا کردن ایران از مدار قدرتهای استعماری بود در این شرایط سازمانها و احزاب چپ بعثت فضای سیاسی و سابقه تاریخی در سراسر کشور پا گرفتند و از نفوذ غیر قابل انکاری در جامعه ایران بر خوردار شدند سرکوب این نیروها توسط جمهوری اسلامی ایران ضربه مهلکی به جنبش چپ وارد آورد پاشیدگی بلوک شرق مزید بر علت شد و تبلیغات نیروهای ارتجاعی جهانی در مورد پایان کمونیسم تا مدتها تاثیر نامطلوب بر جنبش چپ ایران باقی گذاشت.

جنبش چپ ایران بعثت دوری از محیط رشد و تکامل خود دچار چپ روی و راست روی های فراوانی شد اشتباه نیروهای ارتجاعی از جمله تجاوز و جنایت و کشتار در عرصه جهانی و رشد جنبش های توده ای با گرایش چپ و عمل کرد خوب اقتصادی و سیاسی در کشورهای تحت رهبری احزاب کمونیست در همه قاره ها و بتازگی ارزیابی جدید بسیاری از احزاب چپ اروپای شرقی و غربی در باره عملکرد احزاب خود درگذشته به جنبش چپ جهانی جان تازه ای بخشیده است که حتما تاثیر خود را بر جنبش چپ ایران بر جای خواهد گذاشت .

امروزه بزرگترین نیروی مقاومت و بازدارنده در برابر تهاجم ویران کننده ی کشورهای غربی نیروهای چپ و ملی هستند که به قدرت تعیین کننده تبدیل شده اند در آمریکای لاتین چپ ها با نیروهای ملی انتلاف میکنند و اقتصاد ملی را سازمان میدهند هرگز در تاریخ اینهمه گرایش بسمت نیروهای چپ دیده نشده است تفکر سوسیالیزم (عدالت اجتماعی) در پوست و خون و جان توده های زحمت کش جهان کاملا ریشه دوانده است .

چپ های ایران از طیف های مختلفی تشکیل شده اند که بخشی از این نیرو طرفدار سیستم سوسیال دمکراسی کشورهای غربی شده است و بخش کوچک دیگر هم با رادیکالیسم کاذب خود بهمه طرف حمله میکند ولی اکثریت نیروهای چپ ایران میتوانند خود را سروسامان بدهند و در سرنوشت کشور نقش تاریخی خود را ایفا کنند بنظر نگارنده بعد از نیروهای ملی چپ ها دومین نیروی سیاسی کشور هستند.

نیروهای چپ و ملی اگر به این درک مشترک برسند که انقلاب دمکراتیک ایران بپایان نرسیده است میتوانند حول سه شعار استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی گرد هم آیند و نقش تعیین کننده ای در سرنوشت کشور بازی کنند.

نیروهای ملی مذهبی : در جامعه ایران بخصوص در شهرهای مذهبی نیروهای ملی مذهبی از اعتبار و نفوذ زیادی در اقصای مختلف بر خوردارند و معتقدند که در قانون اساسی ایران باید به نقش مذهب توجه شود این نیرو از بدو انقلاب مشروطه بر این اصل همواره پای می فشرده این نیرو در تلاش است تا به جامعه بقبولاند که مذهب اسلام بخشی از فرهنگ مردم ایران است بهترین نمونه آن نهضت آزادی ایران است که از قانون اساسی ایران دفاع میکند ولی خواهان جدایی مذهب از حکومت است این نیرو بر خلاف نیروهای مذهبی حاکم انتخابات را قبول دارد و نظر اکثریت رامیپذیرد نمونه آن در دوران مهندس بازرگان است که از یکطرف با حکومت مذهبی مخالف بود و از طرفی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را قبول داشت .

این نیرو را نباید دست کم گرفت آنها دارای سابقه تاریخی مبارزاتی مثبت بوده و تا به امروز تسلیم قدرت انحصای نیروهای مذهبی نشده و از پرنسیب های خود دفاع کرده اند تمامی شخصیتهای این نیرو چه در زمان حیات خمینی و چه پس از مرگ خمینی بجرم خیانت به انقلاب یا اعدام و یا در بدترین شکل شکنجه و زندانی شده و از تمامی امتیازات حقوقی محروم شده اند.

نیروهای مذهبی : این نیروها را میشود نیروهای مذهبی ولایت فقیه نامید که طی سالهای اخیر بدو گروه اصول گرا و اصلاح طلب معروف شده اند این دو گروه وجه اشتراک فراوانی دارند بهمین دلیل قدرت اجرایی را با هم تقسیم میکنند این نیرو شباهت فراوانی با سیستم های دوحزبی کشورهای هممانند آمریکا دارند اگر جناحی نتوانست از پس وظایف محوله بر آید گروه دیگر مسئولیت را بر عهده میگیرد.

این گروه تمامی ابزار قدرت را در دست دارد و برای حفظ سیستم تشکیلاتهای ویژه ای همانند شورای نگهبان ، شورای مصلحت نظام ، مجلس شورای اسلامی و بیت رهبری را سازمان داده است که توسط تشکیلاتهای مسلح همانند سپاه پاسداران ، بسیج ، جهاد ، نیروهای مردمی مسلح ، انواع گروه های زنان و مردان مذهبی و و ارتش سعی دارد ادامه حیات بدهد.

قدرت نظامی رژیم در بخش تولید دخالت مستقیم دارد و بخش اعظم در آمد حاصله از صدور نفت در اختیار این نیرو و شرکت‌های وابسته به آن قرار می‌گیرد تا با دست‌انباری باز بتواند مانور بکند طی سال‌های اخیر بزرگترین سازمان‌های اشتغال را همین اورگان‌های وابسته به نیروهای مسلح بوده است .

با تغییراتی که اخیراً صورت گرفته است فرمانده سابق سپاه پاسداران رحیم صفوی به مرکز قدرت نقل مکان کرده و به بیت خامنه ای منتقل شده است تا فرماندهی کل قوا را تحت کنترل داشته باشد بر کسی پوشیده نیست که خامنه ای بشدت بیمار است و بر سر جانشینی وی گمانه زنی های فراوانی بچشم میخورد فعال شدن مجدد هاشمی رفسنجانی که با اکثریت بسیار ضعیف رهبری مجلس خبرگان را از آن خود کرده است بخشی از این جدال قدرت را آشکار کرد.

سران رژیم طی سال‌های گذشته برای جا نشینی خامنه ای دوچهره مورد اعتماد را در نظر گرفته بودند که یکی خاتمی رئیس جمهور سابق است که کشورهای غربی بخصوص آمریکا و انگلستان روی آن حساب باز کرده بودند و دیگری روحانی مسنول سابق امنیت ملی است که کشورهای اروپایی چشم امید به آن بسته بودند.

بنظر میرسد اشغال پست های کلیدی اقتصادی و سیاسی و نظامی توسط پاسداران و نیروهای اجرایی کشور روحانیت را که از هیچ وجهه ای در بین مردم بر خوردار نیست عملاً از گردونه خارج کرده و بوحشت انداخته است دست و پا زدن روحانیونی همانند رفسنجانی و درگیری روحانیت در شورای نگهبان و در پی آن در شورای مصلحت نظام روحانیون هردو جناح اصول گرا و اصلاح طلب را بشدت نگران کرده است.

پیچ ها در ایران حکایت از آن دارد که جریان اجرایی کشور که رهبری آنرا سپاه پاسداران بعهدہ دارد مصرف روحانیت را خاتمه یافته تلقی کرده و قصد دارد خود را از شر عمامه داران چه سپاه و چه سفید که مضحکه مردم هستند بهر ترتیب خلاص کند.

ملیت های ایران : از زمان حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تضاد بین رژیم و ملیتهای ایران نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه بر شدت آن افزوده شده است تقریباً در نوار مرزی ایران ملیتهای مختلف کردها ، بلوچها ، عرب ها ، آذریها ، ترکمن ها و گیلکها و زندگی میکنند که باید ارمنی‌ها و آسوریها را هم به آن اضافه کرد اگر چه در قانون اساسی جمهوری اسلامی حقوق ملیت ها برسمیت شناخته شده ولی تا کنون از اجرای این مصوبات خبری نیست این ملیتها از نظر زبان و مذهب و آداب و سنن هیچ وجه اشتراکی با مذهب شیعه ندارند .

ملیت های ایران دارای پتانسیل سیاسی بزرگی هستند که باید در محاسبات نیروها مد نظر قرار گیرد ملیتهای ایران دردرجه اول خواهان استقلال عمل در حوزه ملی، اقتصادی و سیاسی و هویت ملی خود هستند که عملاً از همه آنها محرومند رژیم در صدد است زبان فارسی را جایگزین زبان مادری ملیت های ایران کرده و هویت شیعه گری را در این مناطق گسترش دهد.

بایررسی نیروهای سیاسی اشاره شده در بالا میشود این نتیجه را گرفت که بر خلاف تصور بسیاری از نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی و دوجناح در گیر در آن از پشتیبانی نیروهای سیاسی اشاره شده در بالا بر خوردار نیست ضمن آنکه از پتانسیل نیروهای مخالف بخوبی آگاه است و سعی دارد آنها را جلب کند.

گردانندگان رژیم شعار اتحاد ملی و انسجام اسلامی را در دستور کار خود قرار داده و سعی دارند تا نشان دهند که اتحاد ملی در اولویت سیاستهای رژیم قرار دارد آنها ضمن تاکید بر این شعار مسئله واگذاری بخشی از مالکیت دولتی بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی را مطرح کرده و شروع به واگذاری شرکتها ی تولیدی و خدماتی سود آور دولتی که تحت نظارت کامل نیروهای امنیتی است به بخش خصوصی نمودند تا نیروهای ملی را جلب کنند.

آیا نیروهای اپوزیسیون توان ایجاد جبهه سیاسی را دارند ؟

همانطور که اشاره شد نیروهای فوق چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون نزدیک به سه ده است که درگیر مبارزه سیاسی برای برای کسب قدرت سیاسی پایدار در ایران هستند این تضاد و در گیری نشان میدهد که نه نیروهای در حاکمیت و نه نیروهای مخالف به تنهایی و بدون ایجاد یک جبهه وسیع که منافع اکثریت مردم و ملیتهای ایران را تضمین و تامین کند قادر خواهند بود ثبات پایدار در ایران و کشورهای همسایه ایجاد کنند .

جمهوری اسلامی با شعار جمهوری اسلامی شیعه ، قانون اساسی شیعه و ولایت فقیه شیعه قادر نیست نیروهای فوق را گرد خود جمع کند و با گذشت زمان بخش بزرگی از نیروهای خود را از دست خواهد داد.

اپوزیسیون باید به این درک برسد که هیچ نیروی سیاسی به تنهایی قادر نیست قدرت سیاسی را بدست گیرد طبیعی است که نیروهای سیاسی دیگر براحتی از منافع خود چشم پوشی نخواهند کرد.

همه نیروهای سیاسی فوق با حفظ استقلال عمل خود میتوانند و قادرند حول شعارهای بسیج کننده در مقابل شعارهای رژیم آلترناتیو خود را مطرح کنند تا آنجا که از برنامه های سیاسی احزاب و سازمانها و نیروهای اشاره شده در بالا استنباط میشود اکثر آنها با سه شعار استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی مخالفتی نداشته و تنها بخش کوچکی از این نیروها درباره اولویت قرارداد هر کدام از این شعارها بحث هایی را مطرح میکنند.

نیروهای اوپوزیسیون در طول تقریباً سه دهه اخیر تنها به کار سیاسی افشاگرانه بسنده کرده که تجربه نشان داده است بدون شرکت فعال در تمامی پروسه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و انتخاباتی آنها در درون جامعه ایران کار جبهه ای و سیاسی با موفقیت چندانی مواجه نخواهد بود. برسمیت شناختن حقوق متقابل نیروهای سیاسی اوپوزیسیون اشاره شده در بالا و صادق بودن در آن تنها در همکاری جبهه ای قابل مہک زدن است و در ادامه اوپوزیسیون هیچ راهی ندارد بجز آنکه از مبارزه منفی و تخریب در کار سایر نیروهای سیاسی بشدت پرهیز کند. نیروهای مخالف در شرایط بسیار عالی فعلی میتوانند با این ظرفیت و پتانسیل بالا شرایط خود را به رژیم تحمیل کنند و با همکاری همدیگر در واقع با کار جبهه ای شرایط فعالیت سیاسی و تشکیلاتی را در ایران فراهم کنند و این فقط با اتحاد ملی بر اساس منافع مشترک امکان پذیر است.

م. ر. ا. د
(17.09.2007)